

## واکاوی جایگاه وقف در زندگی تهی‌دستان عصر ایلخانی (با تأکید بر اقدامات خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی)

وحید ذنوریان<sup>۱</sup> / مقصودعلی صادقی<sup>۲</sup> / هاشم آقاجری<sup>۳</sup>

### چکیده

بررسی تاریخ اجتماعی ایران نشان می‌دهد که طبقه تهی‌دست به‌عنوان یکی از طبقات جامعه ایرانی همواره وجود داشته است. از سوی دیگر مسئله کمک به فقیران و زدودن فقر از چهره جامعه از موضوعاتی است که بخشی از تاریخ اجتماعی ایران را در بر می‌گیرد. در این میان یکی از منابع درآمد مراکز خیریه برای زدودن فقر از چهره جامعه، وقف و درآمد حاصل از آن است که معمولاً در طول تاریخ همواره سلاطین و بزرگان به اداره آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی به دنبال واکاوی جایگاه وقف در زندگی تهی‌دستان عصر ایلخانی با تأکید بر اقدامات خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که در دوره ایلخانان با به‌قدرت‌رسیدن غازان خان و وزارت خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی اهمیت وقف افزایش یافت. در این دوره املاک زیادی برای اماکن خیریه وقف گردید و احداث اماکن خیریه‌ای همچون ربع رشیدی و شب غازان نقش مهمی در کمک به تهی‌دستان و زدودن فقر از چهره جامعه داشت. واژگان کلیدی: وقف، ایلخانان، غازان خان، خواجه رشیدالدین فضل‌الله.

### Exploring the role of mortmain in the lives of the poor (with an emphasis on the Rashid-al-din hamedani actions)

Vahid Zenourian<sup>4</sup> / Maghsod Ali Sadeghi<sup>5</sup> / Hashem Aghajari<sup>6</sup>

#### Abstract

A survey into the social history of Iran shows that the lower class has always existed as one of the Iranian social classes. On the other hand, the issue of helping poor people and poverty alleviation has been a part of Iranian social history. Meanwhile mortmain and its incomes are one of the revenue resources of charities which kings and grandees had paid a special attention to their administration. Accordingly, the present study uses an analytical-descriptive method to investigate the important role of mortmain in the lives of poor people who lived in Ilkhanid dynasty and puts a special emphasis on the actions of Rashid-al-Din Hamadani. Results show that in Ilkhanid era and especially when Gazan Khan came to the throne and Rashid-al-Din became his prime minister a significant emphasis was put on mortmain. In that era, a lot of properties were devoted to charities and the construction of charities like Rab'-e Rashidi and Shanb Ghazan played a very important role in helping poor people and poverty alleviation.

Keyword: mortmain, Rashid-al-Din Hamadani, Gazan Khan, Ilkhanid.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تربیت مدرس. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری وحید ذنوریان از دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «نهاد قدرت و تعامل با تهیدستان جامعه ایران از ورود مغول تا آغاز سلسله تیموری» است.

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس.

4. PHD Candidate in History of Islamic Iran, Tarbiat modares University. Email: vahidzenory@gmail.com

5. Assistant professor, Department of History Tarbiat modares. Email: m\_sadeghi@modares.ac.ir

6. Associated Professor, Department of History Tarbiat modares. Email: h\_aghajari@modares.ac.ir

## ۱- مقدمه

### ۱-۱- طرح مسئله

وقف به عنوان نهادی اجتماعی همواره در ادوار تاریخی ایران با فراز و نشیب‌هایی فراوان روبه‌رو بوده است و پیشینه‌اش در ایران به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد. ظهور دین اسلام وقف را معنایی روشن‌تر بخشید و رهنمودهای قرآن در تشویق انسان‌ها به اعمال و کارهای خیر در ترویج این سنت حسنه نقشی عظیم ایفا کرد. متعاقب آن ایرانیان به وقف اموال جهت تأسیس مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، اشاعه آیین جدید و کارهای عام‌المنفعه دیگر پرداختند. حکومت‌های ایرانی طاهریان و صفاریان نیز اهمیتی خاص در این زمینه داشتند، با این حال منابع اطلاعات روشنی درباره جایگاه نهاد وقف در سیستم اداری این دوره در اختیار نمی‌گذارند، لکن در دوره سامانیان از دیوان اوقاف که مسئولیت رسیدگی به مساجد و اراضی موقوفه را بر عهده داشته، نام برده شده است.<sup>۷</sup> وقف در دوره سلاطین ترک نظیر غزنویان و سلجوقیان، گسترش بیشتری یافت، به‌ویژه در دوره سلجوقیان و با تلاش وزیر مشهور سلجوقیان، نظام‌الملک، موقوفات زیادی در زمینه احداث مدارس نظامیه ایجا شد؛ نظامیه‌های بغداد و نیشابور از محل عواید موقوفات گسترده در این دوره اداره می‌شدند. در حملات اولیه مغولان و حکومت اولین ایلخان‌ها، بسیاری از املاک و اراضی موقوفه، تصرف شدند و به‌صورت اینجو و خالصه دیوان قرار گرفتند. با تأسیس حکومت ایلخانی و با روی کار آمدن عناصر ایرانی در دستگاه حکومتی ایلخانان نظیر خواجه رشیدالدین جریان وقف از رکود مقطعی خارج شد و تلاش‌هایی برای جلوگیری از تداوم این وضع شروع شد که در مجموع تا زمان فرمانروایی غازان خان دستاورد چشمگیر و پایداری نداشت اما از این زمان استفاده از وقف بار دیگر مورد توجه فرمانروایان و دولتمردان قرار گرفت و موقوفات بسیاری شکل گرفت که از محل همین موقوفات بسیاری از مؤسسات خیریه، مراکز علمی و دینی، بیمارستان، دارالسیاده‌ها، و دیگر اماکن عام‌المنفعه احداث شدند. تمام حکومت‌های بعد از اسلام در کنار وقف کردن، به فقرا و تهی‌دستان نیز توجه داشتند و سعی می‌کردند مقداری از درآمد اوقاف را صرف این کار خیر کنند؛ اما این کمک‌ها همیشگی و در سطح وسیعی نبودند تا آنکه در عهد ایلخانان و با روی کار آمدن غازان خان و در کنارش خواجه رشیدالدین فضل‌الله این مسئله به‌صورت پررنگ و در سطحی وسیع به‌اجرا درآمد.

۷. ابوبکر محمد بن جعفر نرشی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمدالقبایوی (تهران: نشر توس، ۱۳۶۳)، ص ۳۲.

## ۱-۲- پیشینه پژوهش

تا کنون چندین تحقیق و پژوهش در باب اوقاف در عهد ایلخانان، نظیر وقف در دوره ایلخانان مغول در ایران از جواد عباسی، بررسی موقوفات ایران در قرون ۶-۸ ق / ۱۲-۱۴ م از آن لمبتون و ربع رشیدی مجتمع بزرگ وقفی از سید حسین امیددانی صورت گرفته که در آنها اوقاف و وقف از دیگر منظرها نظیر نقش اوقاف بر کارکرد نهادهایی چون نهادهای اجتماعی، مذهبی و آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب‌های بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی از محمد مهدی بروشکی و آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله از هاشم رجب‌زاده از دیگر آثاری هستند که در جوف آنها مطالبی پیرامون کارکردهای اوقاف در دوران وزارت رشیدالدین فضل‌الله آمده است.<sup>۸</sup> از این رو انجام دادن پژوهشی مستقل که ابعاد مختلف وقف و جایگاه آن در زندگی تهی‌دستان در این دوره را بکاود، ضروری می‌نماید.

## ۱-۳- سؤال تحقیق

پژوهش حاضر درصدد است تا با استفاده از منابع و اسناد تاریخی، کارکرد وقف در زمینه فقرزدایی جامعه عصر ایلخانی را مورد بررسی قرار دهد و بدین پرسش‌ها پاسخ دهد که این نهاد در ارتقای سطح زندگی فقرا و تهی‌دستان عصر ایلخانی تا چه حد مؤثر بوده و حمایت متولیان اوقاف از فقرا در این دوره تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟

## ۱-۴- فرضیه پژوهش

بررسی و مطالعه اسناد و منابع تاریخ عصر ایلخانی نشان می‌دهد که با قدرت‌گیری دولتمردان ایرانی در دستگاه دیوانسالاری ایلخانان، فعالیت اوقاف از سر گرفته شد و کارکردهای وقف در دوران ایلخانان مسلمان به‌ویژه ایام سلطنت غازان و در پی اقدامات وزیرش خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بسیار وسعت یافت. از جمله کارکردهای مهم وقف در این دوره توجه ویژه برای بهبود و ارتقای سطح زندگی فقرا و تهی‌دستان بوده است. در این راستا مراکز مهم وقفی نظیر ربع رشیدی و شب غازان ساخته شد که بخشی عمده از فعالیت آنها به خدمت‌رسانی و تأمین مایحتاج قشر تهی‌دست جامعه اختصاص داشت. این چنین می‌نماید که سیاست‌هایی همچون جلب حمایت مردم به‌ویژه طبقات پایین

۸. محمد مهدی بروشکی، بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی (مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱)؛ هاشم رجب‌زاده، آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی (تهران: انتشارات توس، ۲۵۳۵).

و تهی دست جامعه، کسب مشروعیت برای سلطان ایلخانی، تظاهر به کسب رضای خداوند، کسب ثواب و گردآوردن توشه آخرت و در نهایت انتقال اوقاف به وارثان برای حفظ و نگهداری آنها از جمله دلایلی بوده است که دولتمردان و سلاطین ایلخانی را بر آن داشته است تا ضمن کنترل اوقاف بخش چشمگیری از درآمد این نهاد را به قشر فقیر و تهی دست جامعه اختصاص دهند.

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- وضعیت اوقاف در عهد نامسلمانی ایلخانان

با هجوم مغولان به ایران در سال ۶۱۶ ق / ۱۲۱۹م، که کشتار، ویرانی، و فروپاشی نظام اجتماعی و سیاسی و سایر فعالیت‌های اقتصادی متأثر از آن را به دنبال داشت، اموال موقوفه از منقول و غیرمنقول به تاراج رفت و خان‌ها و سرکردگان ایلات، املاک وقفی را تصاحب کردند و می‌رفت که از وقف و موقوفه جز نامی باقی نماند.<sup>۹</sup> پس از تأسیس حکومت ایلخانی به دست هلاکو و به واسطه نیرو و نفوذ فوق‌العاده خواجه نصرالدین طوسی در این دستگاه، خواجه، به دستور هلاکو تصدی غیررسمی تشکیلات اوقاف را بر عهده گرفت<sup>۱۰</sup> و به منظور احیای آن، کارگزارانی را به سراسر مملکت گسیل داشت و دفاتر گوناگون و منظمی ترتیب داد تا املاک وقفی از نوع زمین‌های مزروعی، حمام‌ها، دکان‌ها، کاروانسراها، کارگاه‌های صنعتی، نهرها، آسیاها و غیره بار دیگر شناسایی و در دفاتر ضبط گردد.<sup>۱۱</sup> او در زمان اباقا نیز این مقام را داشت و هنگامی که برای سرکشی به اوقاف عراق رفته بود در سال ۶۷۲ ق / ۱۲۷۴ م درگذشت. بدین ترتیب تا زمان وفات وی کار اوقاف تا حدودی سر و سامان یافت.<sup>۱۲</sup> ولی این مسئله تا زمان اسلام‌آوردن ایلخانان، فیصله نیافت، و ستیز بین طبقه روحانی و اشراف فتودال ایلی بر سر املاک وقفی باقی ماند. از آن گذشته دیوانیان ایرانی که به کر و فری رسیده بودند و روحانیون دنیاداری که بار دیگر عواید وقف به سویشان سرازیر گشته بود، در این دوران دست کمی از مغولان یغماگر نداشتند.<sup>۱۳</sup>

۹. برتولد اشیپولر، تاریخ مغول، ترجمه محمود میرآفتاب (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶)، ص ۳۲۶ - ۳۲۵؛ شیرین بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲ (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱)، ص ۵۴۲.

۱۰. فضل‌الله بن عبدالله شیرازی و صاف‌الحضرة، تاریخ و صاف‌الحضرة، به اهتمام حاجی محمد مهدی اصفهانی (تهران: کتابخانه ابن‌سینا و جعفری تبریزی، ۱۳۳۸)، ص ۵۱؛ محمدتقی مدرس رضوی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی (تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴)، ص ۴۳.

۱۱. بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ص ۵۴۳.

۱۲. آن لمبتون، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشر نی، ۱۳۷۲)، ص ۱۶۵.

۱۳. بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ص ۵۴۳.

گویاترین گواه بر این مدعا دفتر کوچکی به نام کارنامه اوقاف است به نظم و به گونه مثنوی که شاعری به نام تاج‌الدین نسایی در سال ۶۶۷ ق / ۱۲۶۹ م آن را سروده و چگونگی به‌راه‌افتادن سازمان اوقاف از سویی و دخل و تصرف‌های عمال آن را از سویی دیگر، بر ما آشکار ساخته است. وی به‌عنوان مثال ذکر می‌کند که در عهد عزالدین طاهر، وزیر و فرزندش وجیه‌الله زنگی، در منطقه خواف کار اوقاف مرتب و منظم شد و قوام‌الدین نامی که از جانب آن وزیر مأمور این کار بود، توانست این مهم را به‌انجام رساند.

وقف را رونقی پدید آمد

دین در بسته را کلید آمد.<sup>۱۴</sup>

ولی آن‌گونه که شاعر می‌گوید، مفت‌خوارهایی که از مال اوقاف می‌خوردند، در این ناحیه فراوان بودند و کاری جز لهو و لعب و بی‌ناموسی و بی‌عفتی نداشتند. تاج‌الدین نسایی از دولتمردان ترک و تازیک و به‌خصوص از تاج‌الدین منشی و شیخ و مؤذن و غیره که در این امر دست داشتند نام می‌برد و آنها را به باد ناسزا می‌گیرد. وی از بدکاری‌های شیخی که املاک وقفی وسیعی در این ناحیه در اختیارش بوده به تفصیل سخن می‌گوید:

نکند وقف مردم عاقل

ملک خود هرزه چون کند باطل

زانک هرگز به بینت واقف

نکند هیچ وقف در مصرف

چه کنی ملک وقف به ظالم

بر خدایست روزی عالم.<sup>۱۵</sup>

در چنین اوضاعی بود که خواجه نصیرالدین طوسی با تقبل ریاست فایقه دایره اوقاف، بار دیگر سر و صورت و سامانی به آن بخشید و در هر شهر و دیهی نماینده‌ای بر سر اوقاف نصب کرد و دفاتر را منظم ساخت و اجازه یافت که عواید آن را صرف امور خیر و امور فرهنگی و در رأس همه ساختن رصدخانه کند.<sup>۱۶</sup> وی ضمن گفتاری درباره بودجه مختص حامیان، اشاره می‌کند که اموال، از آن حاکم است و به مقاصد و امور خیریه تعدی نشده؛ زیرا این عمل، شوم و نادرست

۱۴. تاج‌الدین نسایی، کارنامه اوقاف، به تصحیح و کوشش ایرج افشار، ج ۸ (تهران: مجله فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۹)، ص ۸-۶

۱۵. همان، ص ۱۸-۹.

۱۶. وصال، تاریخ وصال‌الحضرة، ص ۵۱؛ شیرین بیانی، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴)،

تلقی می‌شود. وی ادامه می‌دهد که درآمدهای حاصل از موقوفه باید به اهداف مورد نظر بانی آن اختصاص یابد و اگر آن اهداف، متوقف و یا بی‌رنگ شده است، به طوری که بخشی از درآمد مازاد بماند، باید به مصرف تهی‌دستان و یا اقدامات عمومی مانند ساخت پل‌ها، رباط‌ها و معالجه بیماران می‌رسید.<sup>۱۷</sup> به همین دلایل خواجه نصیرالدین طوسی علاوه بر خدمات فرهنگی، حتی بزرگ نیز بر گردن اقتصاد فروپاشیده ایران آن دوره دارد و آن نجات و حفظ اوقاف است که پس از تهاجم مغولان به نابودی کشانیده شده بود.

به نظر می‌رسد با وجود اقداماتی که خواجه نصیرالدین طوسی در راستای بهبود اوقاف انجام داد، طبق نوشته‌های مورخان حیف و میل و جوه وقفی باز هم وجود داشته است. مثلاً طبق گفتهٔ وصاف اکثر اراضی اوقاف ممالک و ابواب‌البر در وضع بدی قرار دارند و عایدات آنها حیف و میل می‌شود.<sup>۱۸</sup> حمدالله مستوفی نیز می‌گوید بیش از پانصد مؤسسه خیریه در شیراز وجود داشت که موقوفات آن غیرقابل شمارش بود؛ اما وی ادامه می‌دهد که درآمد تعداد کمی از آنها برای اهداف مناسب مصرف می‌شد؛ زیرا بخش اعظم موقوفات در دست سوءاستفاده‌کنندگان و چپاولگران قرار داشت.<sup>۱۹</sup>

بعد از مرگ خواجه نصیرالدین طوسی در پی فرمان‌های سلطان احمد تکودار که تازه به دین مسلمانی گرویده بود، اقدامات خواجه نصیرالدین طوسی در زمینهٔ اوقاف دنبال شد و ابنیهٔ خیریه مرمت و بناهای جدید از این نوع ساخته شد.<sup>۲۰</sup> وی در نامه‌ای که به سیف‌الدین قلاون، سلطان مصر، می‌نویسد، اولین کارش بعد از مسلمان شدن را اصلاح امور اوقاف، تعمیر ابواب‌البر و بازگرداندن عواید این اوقاف به مستحقان می‌داند.<sup>۲۱</sup> بعد از تکودار و در زمان ارغون، در وضعیت اوقاف به یکباره تغییراتی رخ داد و از توجه به آن تا حد زیادی کاسته شد، چرا که ارغون به تحریک وزیرش سعدالدوله یهودی قصد نابودی اسلام را داشت. اما نقشه وزیر جواب نداد، چرا که ارغون به یکباره بیمار شد و امرا و مقربان ارغون برای سلامتی وی، شروع به دادن صدقات

17. Ann Lambton, *A Wqaf in persia. 6TH-8TH/12TH-14TH centurie*, Islamic Law and society (Brill, 1997), pp.304-305

۱۸. وصاف، تاریخ وصاف‌الحضرة، ص ۶۲۵ - ۶۲۴.

۱۹. حمدالله مستوفی، *نزهة القلوب*، به اهتمام محمد دبیر سیاقی (تهران: انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶)، ص ۱۳۸؛ Lambton, p.305

۲۰. بیانی، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، ص ۱۹۴.

۲۱. ابن العبری، ترجمه تاریخ مختصرالدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷)، ص ۳۳۸؛ وصاف، ص

و نذور به مستحقان و تهی‌دستان کردند و بسیاری از زندانیان را از حبس آزاد کردند. بیش از همه، سعدالدوله به خاطر اعمالی که علیه مسلمانان انجام داده بود هراسان و پریشان خاطر گشت و درصدد دلجویی از مردم برآمد و در خیرات و صدقات را برای شفای خان بگشود؛ به طوری که در یک روز هفتاد نامه به منظور رفع ظلم از مردم و آزاد کردن زندانیان و از این قبیل امور نگاشت و به اطراف ارسال کرد و به همه ایالات صدقاتی فرستاد؛<sup>۲۲</sup> چنانچه سی هزار دینار به تهی‌دستان بغداد و ده هزار دینار به درویشان شیراز بخشید.<sup>۲۳</sup> ولی این خیرات و صدقات راه به جایی نبرد، حال خان رو به وخامت گذاشت و بزرگان کشوری و لشکری، سعدالدوله را گرفته و به قتل رسانیدند.<sup>۲۴</sup>

با مرگ سعدالدوله و با به‌تخت‌نشستن گیخاتو بار دیگر تکاپو در جهت احیای فرهنگ ایرانی آغاز گردید. صدرالدین احمد خالد زنجانی به وزارت منسوب شد؛ صدرالدین و اصیل‌الدین، پسران خواجه نصیرالدین طوسی نیز در این تکاپو نقش داشتند.<sup>۲۵</sup> از جمله اقدامات جدید، تجدید صدقاتی بود که در گذشته مرسوم بود و در عهد سعدالدوله متوقف گشته بود.<sup>۲۶</sup> برای این منظور گیخاتو، قطب‌الدین، برادر صدرالدین احمد زنجانی وزیر، را منصب قاضی‌القضاتی و ریاست اوقاف داد و رسیدگی به ابواب‌البر و صدقات را به وی سپرد.<sup>۲۷</sup>

با وجود اقداماتی که تحت تأثیر دیوانسالاران ایرانی و از سوی ایلخانان در جهت بهبود وضعیت وقف انجام گرفت، اما بازهم این امر تا زمان روی کار آمدن غازان و وزیرش، خواجه رشیدالدین شکل کاملی به خود نگرفت چرا که در این زمان علاوه بر سروسامان دادن کامل به وضعیت اوقاف، به طبقه تهی‌دست ایران نیز توجه ویژه‌ای شد که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

---

۲۲. غیاث‌الدین بن همادالدین خواندمیر، دستورالوزراء، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی (تهران: اقبال، بی‌تا)، ص ۳۰۴ - ۳۰۳؛ غیاث‌الدین بن همادالدین خواندمیر، حبیب‌السير، ج ۳ (تهران: خیام، ۱۳۸۰)، ص ۱۳۳ - ۱۳۲.

۲۳. محمد بن خاوندشاه بن محمود میرخواند، تاریخ روضه‌الصفاء، ج ۵، تصحیح جمشید کیان‌فر، (تهران: اساطیر، ۱۳۸۰)، ص ۴۱۸؛ ادوارد براون، تاریخ ادبی ایران، ج ۳، ترجمه علی پاشا صالح (تهران: چاپخانه دانشگاه، ۱۳۳۹)، ص ۴۴؛ منوچهر مرتضوی، تحقیق درباره دوره ایلخانان ایران (تبریز: شفق، ۱۳۴۱)، ص ۲۳.

۲۴. خواندمیر، دستورالوزراء، ص ۳۰۳ - ۳۰۴؛ خواندمیر، حبیب‌السير، ص ۱۳۳ - ۱۳۲.

۲۵. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، ج ۲، به کوشش بهمن کریمی، (تهران: نشر اقبال، ۱۳۷۴)، ص ۱۸۳؛ بیانی، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، ص ۲۰۱.

۲۶. خواندمیر، دستورالوزراء، ص ۳۰۸.

۲۷. میرخواند، ص ۴۱۸۸.



## ۲-۲- وضعیت وقف و فقرا در عهد غازان و خواجه رشیدالدین فضل‌الله

در دوره حکومت غازان و وزرات خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی<sup>۲۸</sup> به اوقاف توجهی ویژه شد، غازان بر وفق سنت‌ها و تعلیمات ایرانی دست به اصلاحات همه‌جانبه زد و قوانینی تازه به اجرا درآورد. وی به کمک وزیر خود خواجه رشید اوقاف را که خواجه نصیرالدین و فرزندان او دفاتر آن را گرد آورده و سر و صورتی به آن بخشیده بودند، سرو سامان داد، و به از هم گسیختگی‌های دوران ارغون، گیختو و بایدو پایان داد.<sup>۲۹</sup> نخجوانی درباره توجه غازان‌خان به وقف آورده است:

در اخبار سلطان اسلام غازان‌خان انارالله برهانه آمده که اگر یکی از امرای مقرب یا لشکریان وجهی بغیر حق از رعایا بگرفتندی در حال فرمودی که بزخم چماق بازگرداندند و بمستحق رسانند و بعد از آن حکومت و متصرفی اوقاف در جمیع ممالک بامناء متدین و صلحاء متشرع تفویض فرماید و با وجود اعتماد بر امانت و دیانت مفوض‌الیه بهر چند روز تفحص احوال معاش او با طایفه که شرعا و حکما در اهتمام او باشد واجب داند. بر پادشاه واجب است که... نگذارد که اوقاف را بهیچ آفریده بتخصیص مستاکله و متغلبان بمقاطع و ضمان دهند... چه صدقات پادشاه باید که بجمیع واصل گردد نه آنک صدقات گذشتگان را ملازمان پادشاه بحرام خورند و بدنامی دنیا و جواب آخرت بر پادشاه باشد چون بندگی حضرت در اجرای خیرات گذشتگان سعیی که واقف در حال حیوه همان کردی بجای آرد هر آینه در اجر و ثواب با واقف شریک باشد.<sup>۳۰</sup>

از زمان غازان‌خان سلاطین مغول به ساختن آرامگاه‌های مجلل برای خود اقدام کردند و تشکیلات وسیع و منظمی برای آن منظور داشتند که خود چون اداره مستقلی بود، علاوه بر آرامگاه، ابنیه و ابواب البر دیگری از قبیل: مدارس، خانقاه، دارالسیاده، دارالشفاء، بیت‌القانون<sup>۳۱</sup> بیت‌المتولی<sup>۳۲</sup>

۲۸. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی ملقب به «رشیدالحق» و «رشیدالدوله» در سال ۶۴۸ ق / ۱۲۵۰ م، در خانواده‌ای که پیشینه خانوادگی آنان پزشکی بود در همدان متولد شد. حمدالله مستوفی، تاریخ‌گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص ۶۰۴؛ وی در حدود سی سالگی به‌عنوان طبیب به دربار اباق‌خان (۶۸۰ ق / ۱۲۸۱ م)، پیوست. سرانجام هم در زمان غازان‌خان در سال ۶۹۷ ق / ۱۲۹۸ م به‌وزارت رسید. رضا رحمانی، مجموعه مقالات درباره خواجه رشیدالدین فضل‌الله و ربع رشیدی تبریز، ج ۱ (تهران: نشر علامه طباطبایی، ۱۳۸۸)، ص ۲۱۰؛ منشی کرمانی درباره جایگاه رفیع این وزیری‌نویسد: «قهرمان ممالک مشارق و مغارب عالم و خدایگان اصحاب و مراتب عرب و عجم و پیشوای صنایع و زرای امم و مالک زمام سیف و قائد عنان قلم بود»؛ ناصرالدین منشی کرمانی، نسائم‌الاسفار، جلال‌الدین ارموی (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴)، ص ۱۱۲.

۲۹. بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ص ۴۶۱.

۳۰. محمد بن هندوشاه نخجوانی، دستورالکتاب فی تعیین‌المراتب، ج ۱ (مسکو: نشر دانش، ۱۹۶۴)، ص ۱۸۲ - ۱۸۰.

۳۱. مکانی جهت گذاردن دفاتر و قوانینی که غازان وضع کرده بود؛ عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول (تهران: انتشارات امیرکبیر،

۱۳۸۴)، ص ۳۰۵.

۳۲. مکانی که یک نفر متولی در آنجا مأمور ترتیب مصالح مردم و منزل دادن به ایشان بود. (همان)



حوضخانه<sup>۳۳</sup> گرمابه و مکتب برای قرآن آموختن به یتیمان، بدان وابسته بوده است.<sup>۳۴</sup> یکی از این آرامگاه‌ها را غازان خان در سه فرسنگی جنوب غربی تبریز احداث کرد که به نام شنب غازان معروف شد. بنا به گفته رشیدالدین هدف غازان از ساختن این مقبره، از یک سو جاری کردن صدقات و خیرات برای فقرا، سادات و ... و از سوی دیگر کسب ثواب اخروی و نیک نامی بوده است.<sup>۳۵</sup> بنابراین برای بنای بقعه و گنبد مبلغی گزاف مصرف کرد و در گرد آن خانقاهی برای صوفیان و مدرسه‌ای برای طلاب شافعی و حنفی و همچنین مریم‌خانه و کتابخانه و رصدخانه و دارالعلم مهیا نمود، و نیز منزلی برای سادات و سقاخانه و سایر ابنیه عمومی در آنجا برپا کرد، و برای حفظ و بقای این مؤسسات نذورات و موقوفاتی سالیانه که متجاوز از صد تومان یا یک میلیون مسکوک طلا عایدات آن بود بر آن وقف کرد.<sup>۳۶</sup> شنب غازان نیز مانند ربع رشیدی وقفنامه مفصلی با موقوفات وسیع داشت که متأسفانه اصل آن در دست نیست ولی شرایط آن به‌طور مختصر در بعضی از کتب مورخان این دوره، از جمله در جامع‌التواریخ نقل شده است.<sup>۳۷</sup> به‌نظر می‌رسد که اقدامات غازان در راستای توجه به اوقاف و ابواب‌البر و بناهای خیریه کاملاً تحت تأثیر وزیرش، خواجه رشیدالدین بوده است. این اقدامات با آنکه متوجه رفاه عامه و بهبود زندگی مردم بود اما تا حد زیادی جهت سیاسی داشت. به‌گونه‌ای که عده‌ای از پژوهندگان از جمله پطروشفسکی ملاحظات سیاسی را جهت عمده این اصلاحات می‌شمارند و نشانه آن را در اهتمامی می‌دانند که در این زمان برای بازداشتن کشاورزان و مردم بینوای شهرها از عصیان و در نتیجه، تأمین ثبات حکومت به‌کار می‌رفت.<sup>۳۸</sup>

به دستور غازان می‌بایست هفت نسخه از سند موقوفه تهیه می‌شد که یک نسخه به متولی داده می‌شد و بقیه در مکه، تبریز، بغداد و جاهای دیگر نگهداری می‌شد و این سند می‌بایست به تأیید قضات و علمای معتبر برسد.<sup>۳۹</sup> در این وقف‌نامه تهی‌دستان نسب به دوره‌های قبل مورد توجه‌ای

۳۳. زیرزمینی که در آن حوضی فواره‌دار قرار داشت برای سکونت تابستانی.

۳۴. غیاث‌الدین به همادالدین خواندمیر، *مآثرالملوک*، به تصحیح میرهاشم محدث (تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲)، ص ۱۵۵؛ آشتیانی، ص ۳۰۶ - ۳۰۵؛ حسن نصر، *مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰)، ص ۶۶؛ Lambton، pp ۳۱۵-۳۱۶.

۳۵. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، به اهتمام کارل یان (لندن: اوقاف گیب، ۱۹۴۰)، ص ۲۰۸ - ۲۰۷؛ خواندمیر، *مآثرالملوک*، ص ۱۵۶؛ خواندمیر، *حبیب‌السیر*، ج ۳، ص ۱۸۷؛ براون، ص ۵۹؛ نصر، ص ۲۷۸ - ۲۷۷.

۳۶. *وصاف، تاریخ وصاف‌الحضرة*، ص ۲۸۴؛ آشتیانی، ص ۳۰۶؛ براون، ص ۵۹.

۳۷. بروشکی، ص ۴۷.

۳۸. هاشم رجب‌زاده، *خواجه رشیدالدین فضل‌الله*، (تهران: طرح نو، ۱۳۷۸)، ص ۲۵۵.

۳۹. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۲۱۵؛ Lambton، p.3.

ویژه قرار گرفته بودند. از آنجایی که معمار اصلی اقدامات غازان در خصوص اوقاف و تهی‌دستان، خواجه رشیدالدین بود، حتی تولیت و اداره موقوفات غازان نیز بر عهده رشیدالدین بوده است. ابتدا اندیشه‌های او درباره وقف و تهی‌دستان و در ادامه اقدامات عملی که را در زمان غازان در مورد وقف و تهی‌دستان انجام شده است، بررسی خواهیم کرد.

## ۲-۳- اندیشه‌های رشیدالدین پیرامون وقف و رابطه آن با تهی‌دستان

یکی از کسانی که توجه زیادی به وقف و درآمد حاصل از آن برای بهبود وضع فقرا و تهیدستان داشت، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر کارخان‌خان، بود. خواجه رشیدالدین درباره دلایل توجه به کارهای خیر، در مقدمه کتاب *لطائف‌الحقایق* می‌نویسد:

به نزد عموم مردم اتفاق است که نیکویی کردن بهتر از بدی کردن و این معنی ضروری و مالا کلام است. و همچنین همه متفق‌اند که سرانجام نیکوان نیکو بود و از آن بدن بد، خواه در دنیا خواه در عقبی. و آنان نیز [که] به حشر اجساد قایل نیستند، در آنچه نفس خیر و کامل را بعد از مفارقت بدن بقائی خواهد بود ترددی ندارند. دیگر آنکه خیراتی که شخص در حیات خویش جاری می‌دارد و بعد از او نیز جاری باشد و مدتها بماند کمتر از آن نبود که در حیات احیاناً یا دایماً جاری دارد، فکیف چون مجرب است که به اندک مایه به مرور ایام خواه به معامله و خواه به زراعت و عمارت عظیم بسیار شود؛ خصوصاً املاکی که آن را وقف کرده باشد، غالباً آن بود که سالهای بسیار بماند و منال آن حاصل گردد و به محتاجان و درویشان رسد و از این جهت آن را خیرات جاریه خوانند.<sup>۴۰</sup>

خواجه رشیدالدین با آوردن شواهدی از آیات قرآنی و احادیث به مقایسه اعمال حسنه و سیئه پرداخته است، و بهترین اعمال صالحه را در خیرات جاریه وقف می‌داند و با بیان فوائد خیرات جاریه و تأثیر آن بر واقف می‌گوید که احداث اماکن خیر، از اوایل جوانی منظور نظر او بوده و خداوند «در ازل تقدیر فرموده و خواسته که به ظهور بیوندد.»<sup>۴۱</sup> وی در این مورد می‌نویسد: «اکثر اوقات به اندک عمارتی مشغول و مایل می‌بود و در آن شروعی می‌نمود و به قدر وسع هر وقت عمارتی در عمل می‌آورد و به اندیشه و فکر آن مشغول می‌شد که آن عبارت می‌باید مشتمل باشد

۴۰. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، *لطائف‌الحقایق*، ج ۲، به کوشش غلامرضا طاهر (تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی، ۲۵۳۷)، ص ۷۲۴.

۴۱. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، *وقفنامه ربع رشیدی*، به کوشش ایرج افشار و مجتبی مینوی (تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۲۵۳۶)، ص ۲۱؛ همدانی، *لطائف‌الحقایق*، ص ۷۲۴؛ رحمانی، ص ۱۵۱.

بر خیرات.<sup>۴۲</sup> در جایی دیگر می‌گوید: «...اسلامیان و اهل کتاب جمله متفق‌اند جهت گذشتگان طعام به درویشان دهند و صدقات به مستحقان رسانند و نفوس ایشان را از آن فایده باشد.»<sup>۴۳</sup> به همین علت در تمام طول عمر و پیش از احداث ربع رشیدی، اماکن خیری در وسعتی کمتر، بنا نهاد، ولی این عمارات جزئی هیچ‌گاه او را قانع نمی‌کرد، بدین جهت دست به تأسیس مجتمع بزرگ ربع رشیدی زد تا بتواند به مقصود خویش نائل شود.<sup>۴۴</sup>

ربع رشیدی بزرگ‌ترین بنیاد وقفی او بود که طبق گفته حمدالله مستوفی، در شمال تبریز به موضع «ولیان کوه» ساخته شد و به نام بانی آن «ربع رشیدی» نام گرفت.<sup>۴۵</sup> به قول دولتشاه سمرقندی، عظمت و شکوه ربع رشیدی چندان بود «که از آن عالی‌تر عمارتی در اقلیم نشان نمی‌دهند و بر کتابه آن عمارت نوشته که همانا ویران کردن این عمارت از ساختن عمارت دیگر مشکل‌تر باشد.»<sup>۴۶</sup> البته نکات دیگری که در مورد انگیزه و اهداف خواجه رشیدالدین در تأسیس ربع رشیدی و دیگر موقوفات او می‌توان گفت این است که خواجه از این موقوفه‌سازی علاوه بر کسب ثواب آخرت، اهداف سیاسی و رعایت جانب فرزندان را نیز در نظر داشته است. اهداف سیاسی از این جهت که اجرای این سیاست پیش از هر چیز متوجه ترقی اقتصادی و آبادانی مملکت و مهم‌تر از آن تثبیت وضع حکومت و تأمین دوام دولت بود. از سوی دیگر با شناختی که او از دشمنانش داشت، پیش‌بینی می‌کرد که پس از مرگش، فرزندان از دارایی پدر بهره‌مند نشوند و با وقف اموال می‌کوشید فرزندان را در مقام متولی قرار دهد و حفظ میراث خود برای آنان را تضمین کند.<sup>۴۷</sup>

ربع رشیدی بعد از قتل خواجه رشیدالدین در جمادی‌الاولی ۷۱۸ ق / ۱۳۱۸م با تمام مبنای علمی، خیریه و وقف‌هایش به تاراج رفت.<sup>۴۸</sup> اگر چه پسر این وزیر دانشمند، خواجه غیاث‌الدین محمد، نیز به حفظ این مبنای خیریه اهتمام داشت، و به قول حمدالله مستوفی بر آن عمارت بسیار

۴۲. همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۲۱؛ همدانی، لطائف‌الحقایق، ص ۷۶۲.

۴۳. همدانی، لطائف‌الحقایق، ص ۷۲۵ - ۷۲۴.

۴۴. همان، ص ۷۲۲.

۴۵. مستوفی، نزهة‌القلوب، ص ۸۷.

۴۶. دولتشاه سمرقندی، تذکرة‌الشعراء، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون (تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۲)، ص ۲۱۷؛ رحمانی، ص

۱۵۲.

۴۷. رجوع کنید به: همدانی، لطائف‌الحقائق، ص ۷۲۵ - ۷۲۶.

۴۸. حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، تصحیح خانبابا بیانی (تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰)، ص ۱۲۹؛ کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین، ج ۱، به‌اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص ۶۴.

افزود.<sup>۴۹</sup> ولی چون در سنه ۷۳۶ ق / ۱۳۳۶م کشته شد بار دیگر مورد غارت قرار گرفت و طبق گفته حافظ ابرو بیشتر از هزار خانه از اتباع و اقوام وی در ربع رشیدی ویران شد.<sup>۵۰</sup> از مهم‌ترین قسمت‌های ربع رشیدی دارالضیافه، خانقاه، بیمارستان، دارالمساکین و روضه بود. این چهار بخش را برای برآوردن همه نیازهای مادی و معنوی مسافران، مجاوران و تهی‌دستان تعبیه کرده بودند.<sup>۵۱</sup> بعد از ذکر مختصری که درباره دو مجتمع بزرگ وقفی شنب‌غازان و ربع رشیدی آمد و افکار بنیان این دو بخصوص خواجه رشید درباره وقف و تهیدستان مورد بررسی قرار گرفت، اکنون به اقدامات عملی که این دو در رابطه با وقف و تهی‌دستان انجام داده‌اند می‌پردازیم. در این زمینه سعی خواهد شد که این اقدامات به صورت موردی و جدا از هم مورد تحلیل قرار بگیرد؛ اقداماتی نظیر تأسیس دارالشفای، دارالمساکین، خانقاه‌ها، انواع صدقات و نذور، تعلیمات عمومی برای یتیمان و غیره.

## ۲-۳-۱- دارالشفای

تأسیس دارالشفای به‌عنوان وقف، یکی از مواردی بود که در این زمان مورد توجه قرار گرفت. از مبالغی که غازان برای موقوفات خود در شنب‌غازان قرار داده بود، مبالغی برای دارالشفای جهت تهیه دارو و لباس برای مریض‌ها و نیز برای دفن کسانی که در دارالشفای می‌مردند اختصاص یافته بود.<sup>۵۲</sup> در کنار غازان، وزیرش رشیدالدین نیز دارالشفاهایی متعدد در نواحی کشور احداث کرده بود. رشیدالدین در نامه‌ای به فرزندش جلال‌الدین، حاکم روم، از او می‌خواهد که از ادویه رومی هر ساله جهت دارالشفاهایی که در «ممالک ایران» ساخته است به تبریز بفرستد.<sup>۵۳</sup> وی همچنین در مکاتیب دیگر خود برای تهیه دارو و طبیب جهت این بیمارستان‌ها از جمله دارالشفای تبریز، ربع رشیدی و دارالشفای و داروخانه همدان سفارش‌هایی می‌دهد.<sup>۵۴</sup>

۴۹. مستوفی، نزهةالقلوب، ص ۸۷؛ معین‌الدین نطنزی، منتخب‌التواریخ معینی (تاریخ ملوک شیبانکاره) (تهران: اساطیر، ۱۳۸۳)، ص ۱۲۶.

۵۰. حافظ ابرو، ص ۱۹۶ - ۱۹۵؛ سمرقندی، مطلع‌السعدین، ص ۱۶۰.

51. Sheila Blair, *Ilkhanid Architecture and Society: An Analysis of the Endowment Deed of the Rab - I Rashidi*, in, *Journal of Persian Studies* (British Institute of Persian Studies, 1984), p.70.

۵۲. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۱۰؛ Lambton, p.316.

۵۳. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مکاتبات رشیدی، با تصحیح محمد شفیع (لاهور: نشر کلیه پنجاب، ۱۳۶۴)، ص ۹۳؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، سوانح‌لافکار رشیدی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه (تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ۱۳۵۸)، ص ۹۲.

۵۴. همدانی، سوانح‌لافکار، ص ۶۷ - ۶۵؛ همدانی، مکاتبات رشیدی، ص ۵۶ - ۵۳؛ رجب‌زاده، آیین‌کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ص ۴۰.

خدمات این دارالشفاء به‌عنوان بخشی از وقف برای مجاوران، فقرا و تهی‌دستان جامعه و همچنین مسافرائی که فاقد مسکن مناسب بودند و اغلب نمی‌توانستند از دارو و پزشک استفاده کنند در نظر گرفته شده بود و هیچ‌گونه وجهی از این بیماران دریافت نمی‌شد و معالجه کاملاً مجانی بود.<sup>۵۵</sup> حال آنکه داروها را با مخارج سنگینی از نقاط مختلف تهیه، و در داروخانه و انبار بزرگ و مخصوصی نگهداری می‌کردند.<sup>۵۶</sup> اطبایی که به خدمت دارالشفای ربع رشیدی مأمور می‌شدند می‌بایستی تمام کسانی را که در ربع رشیدی مجاور، مسافر یا عملی آنها باشند و رنجور شوند علاج کنند و مناسب مزاج دارو و مزوره<sup>۵۷</sup> دهند و به علاج دیگری مشغول نشوند. چه او را جهت علاج مجاوران و مسافران ربع رشیدی معین کرده بودند.<sup>۵۸</sup> همچنین روزهای دوشنبه و پنجشنبه مقرر بوده که به همسایگان ربع رشیدی، غلامانی که واقف آزاد ساخته، باغبانان و بزرگواران موقوفات ربع رشیدی دواى مفت دهند و اگر مسافری رنجور می‌گردید، هر کجا که متولی صلاح می‌دانست او را می‌خواندند تا طبیب او را علاج کند و پس از بهبودی مرخص شود.<sup>۵۹</sup>

رشیدالدین در زادگاهش همدان نیز دارالشفایی برای درمان بیماران احداث کرده و برای هزینه آن پنجاه خروار غله و دو هزار دینار آقچه (زر مسکوک) مقرر داشته بود. وی در نامه‌ای که به منصوبانش در همدان نوشته گفته است: «بدانید که آن دارالشفاء و داروخانه که ما در همدان احداث کردیم به جهت آن است که مراسم میراث و اقتناء مناهج<sup>۶۰</sup> خیرات را مسلوک داریم، و رعایت ضعفاء و فقراء که از موجبات بقای جاودانی و ثبوت حیات دو جهانی است بنوعی کنیم... چه تعهد رنجوران و رونق بقاع خیر...، از مهماتی است که اهمال و اغفال در آن به هیچ وجهی از وجوه روا نه.»<sup>۶۱</sup> برای این منظور رشیدالدین، ۲۰ هزار قطعه مرغ، ۱۰ هزار غاز، ۱۰ هزار اردک، هزار رأس گاو نر و هزار رأس درازگوش که به دست دهاقین و رعایای قراء تبریز و سلطانیه و همدان سپرده بود، وقف دارالشفاء ربع رشیدی، دارالمرضاء سلطانیه و بیت‌الادویه همدان کرد که صرف بیماران نمایند.<sup>۶۲</sup>

55. Hani Khafipour, *A Hospital in Ilkhanid Iran: Toward a Socio-economic Reconstruction of the Rab-I Rashidi*, Iranian studies (Chicago: Routledge, 2012), p100.

۵۵. همدانی، *وقفنامه ربع رشیدی*، ص ۱۴۷ - ۱۴۶.

۵۷. غذایی نرم و بدون گوشت و مخصوص بیماران.

۵۸. نصر، ص ۱۱۵.

۵۹. همدانی، *وقفنامه ربع رشیدی*، ص ۱۴۶.

۶۰. کسب کردن راه‌های راست.

۶۱. همدانی، *مکاتبات رشیدی*، ص ۲۵۹ - ۲۵۶.

۶۲. همان، ص ۲۳۶ - ۲۳۴؛ همدانی، *سوانح/الافکار*، ص ۲۱۳ - ۲۱۲.

## ۲-۳-۲- بیت‌التعلیم

در بیت‌التعلیم به کودکان خردسال، مخصوصاً کودکان کارکنان ربع رشیدی و عده‌ای کودکان یتیم و بی‌سرپرست تبریز آموزش خواندن و نوشتن داده می‌شد.<sup>۶۳</sup> بیت‌التعلیم در ربع رشیدی نسبت به دیگر مدارس واحد کوچکی بود که در قسمت روضه قرار داشته است. در این مکان، هر معلم همیشه ده کودک یتیم را تعلیم می‌داده است که همه این دانش‌آموزان و معلمان در ربع رشیدی شبانه‌روزی بوده‌اند.<sup>۶۴</sup> کودکان بی‌سرپرست نیز مثل بقیه کودکان، شبانه‌روزی بودند و تا زمانی که بعد از یادگرفتن خواندن و نوشتن (به‌خصوص تعلیم قرآن) و آموزش حرفه‌ای بتوانند خود را راه ببرند، در ربع زندگی می‌کردند رشیدالدین حقوق و شهریه کارکنان بیت‌التعلیم و دانش‌آموزان را دقیقاً به این شرح تعیین کرده است: «شرط کرده که از برای معلمی که در آنجا ده یتیم مستحق را تعلیم قرآن کند بر عادت، هر سال نقد رایج تبریز به مشاهره<sup>۶۵</sup> ۱۲۰ دینار، و به میاومه هر روز نان گندمین چهار من... و برای هر یک از این ایتم ده گانه هر سال دوازده دینار زر و هر روز یک من نان گندم.»<sup>۶۵</sup>

غازان‌خان نیز مانند وزیرش به تعلیم و تربیت توجه داشت، به‌طوری که دستور داده بود که پنج نفر معلم و پنج نفر معید (تکرارکننده) تعیین کنند که پیوسته در مکتب بنشینند و صد نفر کودک یتیم را قرآن یاد دهند؛ سپس یتیم‌های دیگر جایگزین می‌شدند. دستمزدهایی برای معلمان مکتب و پنج زن، که به‌عنوان مادران پرورشی برای یتیمان و کودکان آواره در آنجا فعالیت داشتند، پرداخت می‌شد. کودکان یتیم نیز به خاطر یادگیری مطالب آموزشی مبالغی دریافت می‌کردند که می‌توانستند پس از رسیدن به سن رشد، به‌عنوان سرمایه تجارت و شغل از آن استفاده کنند.<sup>۶۶</sup> به‌نظر می‌رسد تعدادی از این کودکان یتیم از زمان نوزادی با هزینه سلطان بزرگ می‌شده‌اند چون طبق دستور غازان مقرر شده بود: «اطفالی را که بعضی از ضعفاء بر درهای بقاع و سرهای راه می‌اندازند بردارند و دایه به اجرت گیرند که تعهد حال ایشان نماید و سایر مایحتاج طفل را تا وقت وصول به سن رشد و تمیز سرانجام کنند.»<sup>۶۷</sup>

۶۳ بروشکی، ص ۱۱۹.

۶۴ همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۱۳۵؛ Blair, PP.81-82.

۶۵ همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۱۳۵.

۶۶ همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۱۳ - ۲۱۲؛ خواندمیر، مآثرالملوک، ص ۱۵۷؛ Lambton, pp.316-317.

۶۷ خواندمیر، مآثرالملوک، ص ۱۵۷؛ همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۱۳؛ Lambton, pp.316-317.

## ۲-۳-۳- دارالمساکین

دارالمساکین یکی از قسمت‌هایی بوده که فقط مختص تهی‌دستان و در خارج ربع رشیدی و متصل به آن بوده است که در آن روزی به صد نفر از فقرا و مساکین تبریز یک وعده غذای رایگان می‌دادند و فقرای مسافر را نیز در آنجا پذیرایی می‌کردند.<sup>۶۸</sup> رشیدالدین در این باره می‌نویسد:

ترتیب آش دادن چنانست که بواب بر در ایستاده باشد تا چون فقرا و مساکین در آنجا آیند می‌شمارد تا چون صد نفر می‌شوند در ببندد و جماعت فقرا و مساکین بواب را مدد کنند تا نگذارند که کس زیادت درآید. چه اگر زیادت درآیند لاشک از آش و نان ایشان چیزی کم باید کردن و بدیشان دادن... و چون در اندرون آیند همه در صفاها بنشینند... و از آن کس که به جانب ایمن نزدیک در نشسته باشد آغاز کرده پنج نفر برخیزند و نزدیک شبکه مطبخ روند... مطبخی به هر تن دو ملقه آش، به اندازه‌ای معین و یک پار[ه] گوشت که خمس منی باشد در آن نهاده و نیز دو گرده نان می‌داد. اگر خواهد آنجا خورد و اگر خواهد ببرد با اطفال و یا کسی که خواهد بخورد. آن کسان که خواهند که در دارالمساکین بخورند ایشان را آش با کاسه سفالین بدهد تا بخورند، و در دارالمساکین را بسته دارند تا کاسه بازپس دهند و برون [نبرند]. چون آن پنج کس بستانند به جای خود روند پنج کس دیگر برخیزند و بر همان موجب بستانند و به جای خود آیند، و بر همان ترتیب... تا وقتی که همه بستانند. فراش باید که در بسته باشد و کلید برگرفته، تا چون همه... تمام خورده و کاسه بازپس برده و به مطبخ سپرده، و آنان که آش خواهند که ببرند به کاسه خود بستانند و نگاه دارند تا چون در باز کنند ببرند و هر کس که در آنجا جهت آش سندن با دیگری جنگ کند مرتب آش بدیشان ندهند، خواه محق باشد و خواه مبطل. بخش ایشان بدان جماعت دهد که در آنجا جمع باشند و با یکدیگر جنگ نکرده باشند، و ایشان را که جنگ کرده باشند بیرون اندازند و چیزی بدیشان ندهند.<sup>۶۹</sup>

رشیدالدین در مورد تهیه مایحتاج غذایی که برای این تهی‌دستان صرف می‌شده است می‌نویسد: «مایحتاج آش بدان وجه باید کردن که حوائج آن به وقتی که ارزان و موافق باشد بخورند و در انبار محفوظ و مضبوط دارند. و البته چنان باید که مالا کلام یک ماهه را وجه از پیش داده باشند تا خرید [ه] و در انبار معد (تازه) داشته باشد، و اگر دو سه ماهه و بیشتر، توان خریدن بهتر باشد، و گندم و آرد و عدس یکساله ترتیب باید دادن و ...»<sup>۷۰</sup>

۶۸. همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۱۴۴ - ۱۴۳؛ بروشکی، ص ۷۶ - ۷۵. Blair, p.86.

۶۹. همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۱۴۴ - ۱۴۳. Blair, p. 83.

۷۰. همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۱۴۴.



طبق گفته رشیدالدین در وقفنامه ربع رشیدی، هزینه مصالح آش دارالمساکین در هر روز ۱۲ دینار و در سال چهار هزار و سیصد و بیست دینار برای ربع رشیدی تمام می‌شده است.<sup>۷۱</sup>

### ۲-۳-۴- دارالضیافه (مهمانسرا)

دارالضیافه بعد از روضه از مهم‌ترین قسمت‌های ربع رشیدی است جهت مجاوران و مسافران با مطبخ و حوایج‌خانه و توابع آن از تحتانی و فوقانی. در دارالضیافه به سه گروه طعام می‌دادند. گروه اول مردمان متمیز (عالی‌مقام)؛ گروه دوم مسافرانی معمولی، به شرط نداشتن اقوامی در تبریز که وی را در دارالضیافه فرو آرند و شب نیز در آنجا باشد. رشیدالدین در این باره می‌نویسد:

هر کس که وی را در دارالضیافه فرو می‌آورند اقامت در آنجا بیش از سه روز نکنند، و در آن سه روز جهت هر یک نیم من نان گندمین بنهند و انواع آش‌ها و طعام‌ها که ساخته باشند از سه نوع به وجهی که معین شده و در امور دارالضیافه مقرر گشته، به وجهی که در هر کاسه ربع یک من گوشت باشد بنهند و آن را به جمعیت بخورند، و بعد از آن بر وجهی که در شروط آنجا مقرر گشته متفرق شوند و در آخر روز به عدد هر یک نیم من نان با نان خورشکی که مناسب و ملایم باشد از فواکه و لبنیات و محلات و شیرینی‌ها و ترشی‌ها از هر جنس که میسر گردد یک نوع بدیشان دهند.<sup>۷۲</sup>

این مسافران هنگام مراجعت اگر می‌خواستند می‌توانستند به اندازه یک وعده غذا نیز از دارالضیافه ربع رشیدی همراه خود ببرند و اگر مسافری پای‌افزار نداشت، متولی به رایگان یک جفت پای‌افزار به او می‌داد. همچنین دراویش و صوفیانی که به سیر و سیاحت به تبریز می‌آمدند، محل پذیرایی آنها، برای همان مدت سه روز در خانقاه بود. گروه سوم همان فقرا و مساکین بودند که آنها را به دارالمساکین می‌فرستادند که پیش از این در قسمت دارالمساکین شرح داده شد.<sup>۷۳</sup>

غیر از مواردی که گفته شد هر سال در دارالضیافه، در شب‌های جمعه، تمام شب‌های ماه رمضان (افطار) عیدین (عید فطر و عید قربان) میلاد پیامبر(ص)، شب برات (تولد امام دوازدهم) شب استفتاح (دعای شب نیمه رجب برای حاجت)، روز نوروز، روز وفات واقف (رشیدالدین) و روز عاشورا از عموم مردم تبریز پذیرایی می‌شد که تهی‌دستان نیز شامل این پذیرایی می‌شدند.<sup>۷۴</sup> اطعام در شب‌های خاص توسط غازان نیز انجام می‌شده است به‌طوری که او مقرر کرده بود که در جنب

۷۱. همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۲۲۸.

۷۲. همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۱۴۲؛ بروشکی، ص ۷۵ - ۷۴: Blair, pp. 71,83.

۷۳. همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۱۴۲؛ بروشکی، ص ۷۵ - ۷۴: Blair, pp.71,83.

۷۴. همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۲۰۲ - ۱۹۹: Blair, p.81.

مقبره، مسجد جامع، مدارس و خانقاه در شب‌های جمعه، عیدین و سایر لیالی و ایام متبرکه حلاوه و اطعمه پخته بین مجاوران و مسافران پخش کنند و در خانقاه هر بامداد و شبانگاه فقرا و مساکین را آتش دهند.<sup>۷۵</sup>

### ۲-۳-۵- صدقات و نذور

یکی از مواردی که نقش پررنگی در کمک به تهی‌دستان و فقرا داشته است، دادن صدقات و نذور بوده است. این امر در زمان نامسلمانی ایلخانان نیز انجام می‌شده است چنانچه خواجه نصیرالدین طوسی در زمان به تخت نشستن آباقا پندنامه‌ای برای وی می‌خواند که یکی از موارد این پندنامه دادن صدقات به درویشان و بازماندگان، از کودکان بی‌پدر و زنان بی‌شوهر است.<sup>۷۶</sup> در همین زمان شمس‌الدین جوینی وزیر آباقا نیز در سراسر ممالک ایلخانی نوبی معتمد تعیین کرده بود تا ابواب‌البر و صدقات را بر تهی‌دستان و مستحقان جاری کنند.<sup>۷۷</sup> دادن صدقات و نذور در زمان غازان و رشیدالدین وسعت بیشتری یافت و از همان روزی که غازان اسلام آورد شروع شد به طوری که «در آن روز جماعت ائمه و مشایخ و سادات را ادراعات و انعامات مرسوم و وظائف فرمود و نذور و صدقات در حق فقرا و مساکین مبذول داشت». دیگر آنکه دستور داده بود هر سال دو هزار پوستین از پوست گوسفند خریده به مستحقان و تهی‌دستان بدهند.<sup>۷۸</sup> و «در ماهی دو نوبت صدقه معینه برسم فقرا و مساکین جهت بهای کرباس (جامه سفید) و مداس (پای افزار) و پوستین گول (پشمین) بدهند.»<sup>۷۹</sup> پول‌هایی برای تأمین هزینه‌های دفن افراد غریبه و تهی‌دست، که در تبریز می‌مردند منظور شده بود. بودجه‌ای برای تعویض ظرف‌ها و کوزه‌های آب که توسط غلامان و کنیزان شکسته می‌شد، اختصاص یافته بود تا غلامان و کنیزان به خاطر این عمل دچار ترس و نگرانی نشوند. امور عمومی نیز فراموش نشده بود، مانند: جمع‌آوری سنگ‌ها از جاده‌ها، ساختن پل بر روی نهرها و کانال‌های آب تا شعاع هشت فرسخی شهر تبریز تا تهی‌دستان به سهولت بتوانند عبور کنند.<sup>۸۰</sup> از کمک‌های بزرگ غازان به طبقات تهی‌دست این بود که دستور داده بود سال به سال از هر وجوهی که به

۷۵. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۱۲؛ خواندمیر، مآثرالملوک، ص ۱۵۷ - ۱۵۶؛ خواندمیر، حبیب‌السییر، ص ۱۸۹ - ۱۸۸.

۷۶. میرخواند، ص ۴۰۷۲.

۷۷. همان، ص ۴۰۷۶.

۷۸. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۱۲؛ خواندمیر، مآثرالملوک، ص ۱۵۷-۳۱۶-۳۱۷: Lambton.

۷۹. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۰۹.

۸۰. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۱۴ - ۲۱۳؛ خواندمیر، حبیب‌السییر، ص ۱۹۰: Lambton, pp.317.

خزانة می‌آورند از هر ده دینار یک دینار و از هر ده جامه یک جامه به‌عنوان عشر جدا کرده و به خواجه‌سرای بی‌سپارند تا همواره آن را به درویشان و مستحقان برساند و غیر مستحق را از آن مال ندهند.<sup>۸۱</sup> کمک‌های غازان فقط مختص به مسلمانان نبوده است و این کمک‌ها در مواردی شامل فقرای ادیان دیگر مانند مسیحیان نیز می‌شده است؛ به‌طوری که روزی وی می‌خواست که ده مسکین و فقیر را به دست خود طعام دهد و ده جامه نیز به آنها بدهد اما با اینکه فهمید چند نفر از آنها مسیحی هستند باز هم از عمل خود بازنگشت و همان رفتاری را با آنها کرد که با مسلمانان مسکین و فقیر می‌کرد.<sup>۸۲</sup> غازان به هر ولایتی که می‌رسید یا ابواب‌البری بنا می‌کرد یا صدقه و نذری به محتاجان آنجا می‌داد.<sup>۸۳</sup> مثل ایجاد نهر غازانی برای زیارتگاه امام حسین که بدان واسطه سادات مقیم آنجا را که مردمی درویش و در نهایت احتیاج بودند سهمیه غله معین کرد که سال به سال به آنها می‌دادند.<sup>۸۴</sup>

طبق گفته کاشانی در *تاریخ الجایتو* احترام غازان در مورد اهل بیت و سادات چنان بوده است که وی دستور داد در سراسر ممالک ایران برای زوار سادات، دارالسیاده بنا کنند، از جمله در شنب غازان، روم، بغداد و غیره و برای هر یک املاک، زمین‌ها و روستاهای زیادی وقف کرد که هر سال از حاصل آنها ده هزار دینار به مستحقان و نیازمندان برسد.<sup>۸۵</sup> رشیدالدین به وعده‌های غازان بعد از شکست دادن سپاه مملوک اشاره می‌کند. یکی از وعده‌ها این بود که او نذر کرده بود در صورت شکست مملوکان، بیست تومان از درآمد زمین‌های خالصه به‌عنوان وقف، صدقه و انعام به همه طبقات از جمله تهی‌دستان و فقرا پرداخت شود.<sup>۸۶</sup> از موارد دیگر اینکه غازان دستور داده بود که در زمان درگذشت مؤسس یک موقوفه بین نیازمندان صدقه توزیع کنند.<sup>۸۷</sup>

یکی از کسانی که نقشی پررنگ در ادای صدقات و نذور داشته، خواجه رشیدالدین بوده است. وی مقرر کرده بود که:

جهت بزرگان دین از سادات و ائمه و مشایخ که در تبریز فوت کنند در شب اول به اسم صدقه شب

۸۱. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۲۱۷ - ۲۱۶.

۸۲. همان، ص ۱۵۲ - ۱۵۱.

۸۳. همدانی، *جامع‌التواریخ*، ص ۱۰۰۴ - ۱۰۰۳؛ همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۲۱۵.

۸۴. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۲۰۳.

۸۵. ابوالقاسم محمد قاشانی، *تاریخ اولجایتو* (تهران: بنگاه ترجمه نشر کتاب، ۱۳۴۸)، ص ۹۴.

۸۶. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۲۱۵؛ Lambton, p.317.

۸۷. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۲۱۲؛ خواندمیر، *مآثر المملوک*، ص ۱۵۷؛ Lambton, p.316.

غریب چنانکه در تبریز رسم است صدقه از حلوی گرم و نان دهند. در شب‌های جمعه جهت ثواب واقف و این طایفه، صدقه از حلوی گرم و نان بدهند. چنانکه بیست من دوشاب نیکو با آرد پاک و روغن تازه حلوا سازند و آن را با چهل من نان به درویشان دهند، و وجه آن را متولی از حاصل موقوفات ربع رشیدی می‌دهد.<sup>۸۸</sup>

وی همچنین نذر کرده بود که سالی به چهارصد درویش و تهی‌دست که به ربع رشیدی وارد شوند کفش بدهند، چنانکه در هر سال دویست دینار خرج آن شود. اگر چهارصد درویش تهی‌دست وارد ربع نشوند و این دویست دینار خرج نشود، هر چه از این پول بعد از یک سال جمع شود آن را به دیگر مستحقانی که کفش ندارند بدهند. در ضمن هر یک از اینها می‌توانند مدت سه روز در ربع اقامت کنند و قبل از رفتن به هر کدام نیم دینار می‌دادند.<sup>۸۹</sup> ارامل<sup>۹۰</sup> از دیگر طبقات تهی‌دستی بودند که مورد توجه رشیدالدین قرار گرفته، به طوری که وی مقرر کرده بود که از یک نیمه موقوفاتی که به ابواب‌البر ربع رشیدی تعلق دارد هر سال مبلغ دویست دینار نقد رایج تبریز را به صد نفر از آنها بدهند، به شرطی که واقعاً درویش و اهل استحقاق باشند، تا با آن پول پنبه خریده و به‌عنوان پشتوانه مالی قرار و با آن زندگی‌شان را بگذرانند. وی همین مبلغ را برای ارامل یزد نیز قرار داده بود که به صد نفر از آنها داده شود تا آنها نیز مانند گروه قبلی پنبه خریده و زندگی بگذرانند.<sup>۹۱</sup> علاوه بر اینها مقرر کرده بود که از حاصل تاکستان‌ها و باغات میوه خود که در ولایات بوده و از شمار بیرون هر سال ۷۴۸ هزارا من نان و ۳۲۰ هزار من گوشت به ارباب استحقاق و وظایف بدهند و روغن و پشم و کشک حدود ۲۵۰ هزار گوسفند را به ربع رشیدی وقف کرد که سال به سال صرف خیرات و مبرات کنند.<sup>۹۲</sup>

علاوه بر این موارد، او مکرراً در نامه‌های خود به حکام و فرزندان آنان را به عمارت ابواب‌البر و دیگر بنیادهای خیریه و رسیدگی به تهی‌دستان و فقرا سفارش می‌کند. چنانچه در نامه‌ای به فرزندش جلال‌الدین، حاکم روم، وی را نصیحت می‌کند که ضمن رعایت حال رعیت، آنان را حمایت کند تا قحط برنخیزد و دستور می‌دهد که از مال حلال او هر بامداد به فقرا و غربا و ضعفا

۸۸. همدانی، وقفنامه ربع رشیدی، ص ۲۵۱.

۸۹. همان، ص ۲۰۴ - ۲۰۳.

۹۰. زنان و مردانی که قدرت خرید و تهیه هیچ چیز نداشته باشند. تهی‌دستان، لغت‌نامه دهخدا.

۹۱. همان، ص ۲۱۶ - ۲۱۵.

۹۲. همدانی، مکاتبات رشیدی، ص ۲۳۶ - ۲۳۴؛ همدانی، سوانح/افکار، ص ۲۱۳ - ۲۱۲.

و علما و زهاد و اتقیاء ببخشند، چه گفته‌اند: «الْصَّدَقَةُ جَنَّةُ الْبَلَاءِ وَ جَبَّةُ الْغَنَاءِ»<sup>۹۳</sup> همچنین از زکات گردآوری شده که «حَقَّ اللهُ» است به فقرا و مساکین بدهند همچنان که خداوند در کلام مجید می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ»<sup>۹۴</sup>

در نامه‌ای دیگر به فرزندش، خواجه سعدالدین حاکم انطاکیه و طرسوس، می‌نویسد که: «... مال رعیت بر قانون قدیم بگیرد و بر مردم مقیم و مسافر و وارد و صادر از حاصل املاک او که در آن ولایت واقع است صدقه کند و از موقوفات بقاع خیر که در ملاطیه و انطاکیه انشاء کرده‌ام بر مستحقان جاری کند»<sup>۹۵</sup> رشیدالدین در نهایت تأکید می‌کند که سعی کن آن اموال را در امور خیر و عام‌المنفعه خرج کنی نه در راه‌های دیگری که دردی از دردهای مردم محروم را دوا نکند.<sup>۹۶</sup> به فرزند خود امیر شهاب‌الدین، حاکم تُسترو، در مورد گرسنگان و برهنگان مواردی را سفارش می‌کند و می‌گوید: «می‌ترسم که بخاطر مشورت با کسانی که به دور خود جمع کرده‌ای، تمام مال و اموالی که را با عرق جبین گرد آورده‌ام به اصراف و تبذیر صرف کنی و از آن مال خطیر به مسکین و فقیر و محتاجان کمک نکنی و در راه ساختن اماکن و بناهای خیر و امور عام‌المنفعه به مصرف نرسانی»<sup>۹۷</sup> دیگر آنکه وقتی شنید که در کرمان قحطی روی داده است و رعایا به سبب «تسعیر اقوات و غلای غلات چون موی ضعیف و چون نان نحیف گشته‌اند»<sup>۹۸</sup> در نامه‌ای فرزندش امیر محمود، حاکم کرمان، را به خاطر آنکه با تحمیل مالیات‌های گران مسبب این امر بود را به‌تندی سرزنش می‌کند و به او امر می‌دهد تا آنان را از تکلیفات دیوانی و اخذ قلان و قیچور و اخراجات متفرقه و گرفتن مالیات تا سه سال معاف دارد.<sup>۹۹</sup> سپس به وی تأکید می‌کند که:

وظیفه آنک در انبارهایمان و مخازن دهاقین و اغنیا باز کند و از روی اشفاق و کمال احسان، شفقت از حال ایشان دریغ ندارد، و از حاصل املاک ما هزار هزار غله و دو هزار من خرما به متاهلان مُعیل (نیازمند) و فقرا و مساکین و ابناءالسبیل صدقه کند، تا برکات این خیر مطلق دافع قضای معلق گردد،

۹۳. همدانی، مکاتبات رشیدی، ص ۸۷؛ همدانی، سوانح‌الافکار، ص ۸۷؛ سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی، آثار الوزراء، به تصحیح محدث ارموی (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴)، ص ۳۱۲.

۹۴. همدانی، مکاتبات رشیدی، ص ۸۱-۸۷؛ همدانی، سوانح‌الافکار، ص ۸۳ و ۸۸؛ عقیلی، ص ۳۱۳ - ۳۱۲.

۹۵. همدانی، سوانح‌الافکار، ص ۳۶ - ۳۵؛ عقیلی، ص ۲۹۷.

۹۶. همدانی، سوانح‌الافکار، ص ۳۶ - ۳۵؛ عقیلی، ص ۲۹۷.

۹۷. همدانی، مکاتبات رشیدی، ص ۹۴؛ مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷)، ص ۱۳۶.

۹۸. همدانی، مکاتبات رشیدی، ص ۲۰؛ همدانی، سوانح‌الافکار، ص ۱۷.

۹۹. همدانی، سوانح‌الافکار، ص ۱۹ - ۱۸؛ همدانی، مکاتبات رشیدی، ص ۲۲ - ۲۱؛ راوندی، ص ۱۳۶.

و آثار خیرات و ضبط مبرات ما جهانیان را مسموع و مسموع افتد.<sup>۱۰۰</sup>

این صدقات و نذور و کمک به تهی‌دستان در زمان اولجایتو، جانشین و برادر غازان، نیز ادامه پیدا کرد. به دستور وی روزی دوبار در سلطانیه برای فقرا و مساکین مراسم سماع می‌گرفتند. به طوری که برای سه هزار نفر تهیه اطعام دیده می‌شد. در این مراسم علاوه بر اطعام فقرا و مساکین و غیره به آنها انعام و خیرات و مبرات نیز داده می‌شد. این مراسم تحت نظر وزیر اولجایتو، تاج‌الدین علیشاه انجام می‌شده است.<sup>۱۰۱</sup> تاج‌الدین علیشاه نیز مانند بیشتر وزرای ایرانی در هر فرصتی به طبقات تهی‌دست کمک می‌کرده است. چنان که قاشانی نقل می‌کند که: «پادشاه پنجاه هزار دینار از مال دیوان برای او تفویض کرد، و او همه به ادرار محتاجان و مرسوم مستحقان فرمود.»<sup>۱۰۲</sup> اولجایتو سه بار در فاصله سال‌های ۷۰۶-۷۰۳ ق / ۱۳۰۴-۱۳۰۷م در سفر به تبریز از آرامگاه برادرش غازان دیدن کرد و در آنجا در حق تهی‌دستان و مساکین نذور و صدقات فراوانی به مصرف رسانید.<sup>۱۰۳</sup> همچنین وی در سال ۷۱۵ ق / ۱۳۱۵م دو روز در محل دفن پدرش ارغون توقف کرد و به درویشان و مستحقان صدقات و خیرات فراوانی بخشید.<sup>۱۰۴</sup> سلطان ابوسعید نیز بر بخشش صدقات و خیرات تأکید داشته چنانچه بعد از وفات پدرش اولجایتو تهی‌دستان و فقرا را بی‌نصیب نگذاشته است و برای شادی روح و رسیدن ثواب آخرت برای پدرش، فقرا و تهی‌دستان زیادی را اطعام کرد.<sup>۱۰۵</sup>

## ۲-۳-۶- خانقاه‌ها و صوفیان

یکی از مکان‌هایی که در کمک و اطعام فقرا و تهی‌دستان در عهد ایلخانی و قبل و بعد از آن نقش داشته خانقاه بوده است. از آنجایی که خانقاه‌ها و بزرگان صوفیه مورد احترام مردم و از نهادهای قدرتمند بودند، حکومت‌ها سعی می‌کردند تا آنجا که می‌توانند به آنها احترام بگذارند و به آنها کمک‌های مالی کنند. ایلخانان و به‌خصوص غازان و خواجه رشید نیز از این امر مستثنی نبودند و در عهد ایلخانان بیشترین توجه از سوی این دو انجام شده است. مثلاً رشیدالدین دستور داده بود

۱۰۰. همدانی، مکاتبات رشیدی، ص ۲۱.

۱۰۱. قاشانی، ص ۱۰۸.

۱۰۲. همان، ص ۱۷۷.

۱۰۳. همان، ص ۳۱ و ۵۲.

۱۰۴. همان، ص ۱۷۹.

۱۰۵. خواندمیر، حبیب‌السیر، ص ۱۹۶.

که علاوه بر مرمت و بازسازی خانقاه‌های قدیمی در بعضی مناطق، خانقاه‌های جدید نیز بسازند.<sup>۱۰۶</sup> وی در مکتوب سی و سوم از مکاتبات رشیدی که بر اهالی خوزستان نوشته، روغن و کشک حاصل از پنج‌هزار گوسفندی را که در خوزستان داشته است وقف آش‌خانه همدان کند تا صرف صادر و وارد و فقراء و مساکین و ابناء السبیل آنجا کنند و پشم این گوسفندان را اختصاص به بافتن زیلو برای خانقاه همدان، مدرسه ارزنجان و خانقاه سلطانیه کنند.<sup>۱۰۷</sup> وی همچنین به شیخ صفی‌الدین اردبیلی که در آن زمان در اردبیل بر مسند ارشاد نشسته بود و پیروان فراوانی داشت نامه‌ای نوشته و پس از اظهار ارادت فراوان به جهت خانقاه او، از حاصل املاک غازی و رشیدی که در خلخال، شاهرود، دریغ، و آستارا و گیلان و سراب و پیشگین (بیشکین، مشکین) و اردبیل داشت مقدار ۱۵۰ خروار گندم، ۳۰۰ خروار برنج، ۱۳۰ رأس گوسفند، ۳۰ رأس گاو، ۴۰۰ من روغن، ۸۰۰ من عسل، ۲۰۰ من کشک، ۶۰۰ قطعه مرغ و ۱۹۰ قطعه مرغابی حواله داده و نیز از شرابخانه و انبار و خزینه خاصه تبریز ۴۰۰ من قند، ۱۰۰ من نبات، ۳۰ قاروره گلاب، ۱۰۰۰ من دوشاب، ۲۰۰ من لیبو، ۵۰ مثقال عنبر، ۵۰ مثقال مشک و ۱۰۰ مثقال عود فرستاده و نیز ده هزار دینار نقد ارسال داشته.<sup>۱۰۸</sup> غازان نیز علاوه بر کمک به صوفیان بزرگی مثل شیخ صفی، در حدود سفیدکوه و بوزینجرد همدان و جاهای دیگر، خانقاه‌های معتبری ساخته و املاک زیادی بر آنها وقف کرده بود به صورتی که وارد و صادر از آن خیرات بهره‌مند شوند.<sup>۱۰۹</sup>

با توجه به اینکه صوفیان، پایگاه ویژه‌ای در بین مردم داشتند، طبقه حاکم برای همراه کردن توده‌ها با سیاست‌های خود از این طیف حمایت می‌کردند. از سوی دیگر توجه و اعتقاد ایلخانان به تصوف پس از اسلام آوردن آنها بیشتر گشت و برای به‌دست‌آوردن پایگاه مردمی و جلب حمایت شیوخ و صوفیان که نقش مؤثری در جامعه ایران داشتند، وقف‌ها، هدیه‌ها و مواجب بسیاری تعیین کردند. طبقه حاکم احتمالاً انتظار داشتند به هنگام نیاز نیز، از کمک و حمایت آنان بهره‌مند گردند. در عین حال صوفیان برای استمرار موقوفات و بنیادهای خیریه تلاش می‌کردند؛ بنابراین تا حدودی با طبقه حاکم و زمین‌دار، که می‌توانستند موقوفات ثروتمندی را احداث کنند، همبستگی

۱۰۶. عقیلی، ص ۳۱۲؛ رجب‌زاده، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ص ۱۵۶.

۱۰۷. همدانی، مکاتبات رشیدی، ص ۱۸۳؛ منوچهر مرتضوی، مسائل عصر ایلخانان، (تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۹۲)،

ص ۱۸۱ - ۱۸۰.

۱۰۸. همدانی، سوانح الافکار، ص ۲۴۷ - ۲۴۶؛ ایلیا پاولویچ پتروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز (تهران: پیام،

۱۳۶۳)، ص ۳۸۵ - ۳۸۴.

۱۰۹. همدانی، جامع‌التواریخ، ص ۱۰۰۴ - ۱۰۰۳؛ همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۱۵.



نشان می‌دادند. این حمایت به‌خصوص از شیوخ معتبری مانند شیخ صفی‌الدین اردبیلی بیشتر نمود پیدا می‌کرد.

## ۲-۳-۷- زنان نیازمند

یکی از قشرهای تهی‌دست جامعه که مورد توجه غازان قرار گرفته بودند، زنان بودند که شامل بیوه‌زنان، روسپی‌ها و غیره می‌شدند. همان‌گونه که در بالا گفته شد یکی از راه‌های کمک به این طبقه، دادن اجرت به بیوه‌زنان و دایه‌ها در ازای نگهداری از کودکان بی‌سرپرست، سرراهی و یتیم بود تا زمانی که این کودکان آموزش دیده و به سن رشد برسند.<sup>۱۱۰</sup> همچنین به دستور غازان هر سال دو هزار من پنبه حلاجی‌شده به پانصد بیوه‌زن می‌دادند، چنانکه سهم هر کدام چهار من می‌شد تا از این راه امرار معاش کنند.<sup>۱۱۱</sup>

مسئله دیگر بحث فواحش و روسپی‌ها بود که به علت فقر و بدبختی به این کار کشیده می‌شدند که حتی در مورد زن‌های مسلمان که طبق شریعت جزء جرائم سنگین بود، نیز صدق می‌کرد.<sup>۱۱۲</sup> رشیدالدین روایت می‌کند که همواره در شهرهای بزرگ زنان فاحشه و کنیزان را که از اطراف به‌اسارت گرفته بودند در پهلوی مساجد و خانقاه‌ها و خانه‌های مردم می‌نشانند و چون جماعت خراباتیان به بهای بهتری کنیزان را می‌خریدند اکثر برده‌فروشان با آن جماعت معامله می‌کردند. بعضی از این دختران که غیرت و حمیتشان بیش از دیگران بود و نمی‌خواستند به خرابات فروخته شوند، مقاومت می‌کردند، ولی با جار و جنجال و اجبار عاقبت معامله سر می‌گرفت و به کار بد می‌نشانند.<sup>۱۱۳</sup> غازان‌خان که از این کار به‌شدت متنفر بود با شدت با فحشا که سراسر جامعه را فرا گرفته بود، به مبارزه پیگیر پرداخت و فرمانی صادر کرد که طی آن هر کنیزی که نخواهد به خرابات فروخته شود، خواست او را مراعات کنند. همچنین روسپی‌هایی که در خرابات می‌زیستند و میل داشتند که بیرون بیایند، می‌توانستند از آنجا خارج شوند و آزاد باشند. وی ضمناً برای این دسته نرخی معین کرد که آنان را بخرند و از روسپی‌خانه رها سازند و به شوهری که اختیار کنند

۱۱۰. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۱۳؛ خواندمیر، مآثرالملوک، ص ۱۵۷؛ Lambton, pp.316-317.

۱۱۱. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۲۱۴؛ خواندمیر، حبیب‌السیر، ص ۱۹۰؛ Lambton, p.317.

۱۱۲. محمد بن هندوشاه نخجوانی، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، ج ۲ (مسکو: نشر دانش، ۱۹۷۶)، ص ۲۹۲.

۱۱۳. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۳۶۴؛ یواخیم بارکهاوزن، امپراتوری زرد، ترجمه اردشیر نیک‌پور (بی‌جا: چاپ داوریانه،

بدهند.<sup>۱۱۴</sup> البته این تصمیم غازان با نامه‌ای که از سوی علما و سادات و مشایخ اردبیل برای وی فرستاده و از وی خواسته بودند که به بحث فحشا و روسپی‌گری ورود کند، بی‌ارتباط نیست.<sup>۱۱۵</sup> با اینکه در زمان غازان دستورات مهمی درباره روسپی‌ها و فواحش صادر شد که از جهات زیادی به سود آنها بود، اما به نظر می‌رسد این امر به صورت جدی پیگیر نمی‌شده و یا اینکه بعد از مرگ غازان به فراموشی سپرده شده است چون در سال ۷۰۷ ق / ۱۳۰۸ م سلطان اولجایتو در پی بالاگرفتن خرید و فروش اسیران و کنیزان برای روسپی‌خانه‌ها و مراکز فسق و فجور، دستور داد که کنیزان و اسیران را جز برای حرمسرای سلطانی نخرند و نفروشدند و تأکید کرد تا مسلمانان از فسق و فجور اجتناب کرده و همه مطربان و فواحش بلاد توبه کنند،<sup>۱۱۶</sup> آنچنان که رشیدالدین می‌گوید بحث روسپی‌گری و جریانات پشت سر آن دارای سابقه طولانی بوده که به راحتی از بین نمی‌رفته،<sup>۱۱۷</sup> به خصوص آنکه جنگ‌های پی‌درپی شاهزادگان مغول و ترک و دیگر عناصر قدرت روز به روز بر بدبختی و فقر مردم می‌افزوده است که از یک سو بسیاری از این مردم به خاطر فقر به سوی این جریانات کشیده می‌شدند و از سوی دیگر اکثریت اسیران دختر و زن مجبور می‌شدند که به اجبار در خرابات و فاحشه‌خانه‌ها به روسپی‌گری بپردازند.

### ۳- نتیجه‌گیری

به‌کارگیری درآمدهای وقفی برای بهبود وضعیت فقرا و تهیدستان در ادوار مختلف تاریخی ایران به‌ویژه دوران اسلامی همواره مورد توجه حکام، بزرگان و صاحب‌منصبان جامعه بوده است. این کارکرد وقف تا زمان ایلغار مغول با کمیت و کیفیت‌های متغییر کماکان وجود داشته است. لیکن در پی حملات مغول بسیاری از املاک و اراضی موقوفه، تصرف شدند و به صورت اینجو و خالصه دیوان درآمدند. با تأسیس حکومت ایلخانی و روی کار آمدن دیوانسالاران ایرانی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی، خاندان جوینی و غیره تلاش‌هایی در جهت بازگرداندن املاک وقفی انجام گرفت. اما با توجه به نامسلمانی سلاطین ایلخانی و نفوذ درباریان غیرمسلمان، این تلاش‌ها به صورت کامل به ثمر ننشست. پیرامون کارکرد فقرزدایی وقف نیز عناصر ایرانی تا حدی سلاطین

۱۱۴. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۳۶۴؛ نخجوانی، ج ۲، ص ۲۹۲ - ۲۸۹؛ بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ص ۴۶۲.

۱۱۵. نخجوانی، ج ۲، ص ۲۸۹.

۱۱۶. فضل‌الله بن عبدالله شیرازی (وصاف/الحضرة)، تحریر تاریخ وصاف، نگارش عبدالمحمد آیتی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران،

۱۳۴۶)، ص ۲۹۴.

۱۱۷. همدانی، جامع‌التواریخ، ص ۱۱۱۳.

ایلخانی را متقاعد کردند که وقف باید مثل گذشته در خدمت بهبود شرایط اجتماعی و کمک به تهی‌دستان باشد. اما این امر تا زمان روی کار آمدن غازان و مسلمانی ایلخانان رونق کامل نیافت. با روی کار آمدن غازان و وزارت خواجه رشیدالدین فضل‌الله، به تدریج املاک وقفی گسترش بیشتری یافت و اوقاف در سطحی گسترده و با اهداف متنوع اقتصادی، اجتماعی و علمی به کار گرفته شد. در این دوره قسمتی از درآمد موقوفات صرف بازسازی تشکیلات، مؤسسات مذهبی و ابواب‌البر شد و بخش دیگر برای کمک به نیازمندان و تهیدستان، به ایجاد بناهای خیریه اختصاص یافت. این دو با احداث اماکن خیریه‌ای چون دارالشفاء، دارالمساکین، خانقاه‌ها و قراردادن صدقات فراوان در سراسر قلمرو ایلخانی و احداث اماکن بزرگ وقفی همچون ربع رشیدی و شنب غازان، بخش اعظمی از گروه‌های مختلف تهی‌دستان و فقرا را تحت حمایت قرار دادند. منابع و اسناد تاریخی نشان می‌دهند که این اقدامات در زمینه فقرزدایی از جامعه و بهبود نسبی وضعیت تهیدستان عصر ایلخانی به‌ویژه در شهر تبریز، قابل ملاحظه و اثرگذار بوده‌اند.

درباره اینکه کمک به تهی‌دستان از طریق اوقاف تحت تأثیر چه عواملی انجام می‌شده است، می‌توان گفت که عوامل مذهبی، سیاسی و جز آن در این امر دخیل بوده‌اند. عواملی که با هدف کسب رضای خداوند و یا حداقل تظاهر به آن، کسب ثواب، گردآوردن توشه آخرت و جلب دعای خیر تهی‌دستان جهت پیروزی در جنگ‌ها و جز آن صورت می‌گرفت. عواملی چون به‌دست آوردن چهره‌ای موجه در بین مردم و کسب مشروعیت به‌عنوان پادشاهی مسلمان و خیرخواه به‌خصوص در نزد طبقه روحانی که از نظر دینی نفوذ فوق‌العاده‌ای در بین مردم داشتند. جلب حمایت مردم به‌ویژه طبقات پایین و تهی‌دست جامعه برای جلوگیری از ملحق شدن آنها به جریان‌هایی که ممکن بود علیه طبقه حاکمه صورت پذیرد. جلب حمایت طبقات صوفیه و به‌خصوص شیوخ صوفی بزرگ که نفوذ و قدرت زیادی در بین مردم داشتند و می‌توانستند با سوق دادن مردم و طبقات پایین جامعه به گوشه‌گیری و دوری‌جستن از دنیا، طبقه حاکمه را در همراه کردن توده‌ها با سیاست‌های خود کمک کنند.

حفظ اموال و دارایی‌ها و انتقال آن به وارثان و فرزندان را نیز می‌توان از دیگر انگیزه‌های مهم صاحب‌منصبان و متمولان عصر ایلخانی در وقف کردن اموال و به تبع آن کمک به فقرا و تهی‌دستان دانست؛ چرا که وقف این اموال و تعیین کردن فرزندان و خویشاوندان خود به‌عنوان متولی اوقاف، تنها طریق ممکن بود که تا حدودی می‌توانست مانع از تصرف دارایی‌ها و دست‌اندازی در آن توسط لشکریان و امرای مغولی شود.

## کتابنامه

### ۱- منابع فارسی

- ابرو، حافظ. ذیل جامع التواریخ رشیدی. تصحیح خانبابا بیانی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.
- ابن العبری. ترجمه تاریخ مختصرالدول. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- اشپولر، برتولد. تاریخ مغول. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- اقبال آشتیانی، عباس. تاریخ مغول. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- بارکهاوزن، یواخیم. امپراتوری زرد. ترجمه اردشیر نیک‌پور. بی‌جا: چاپ داورپناه، ۱۳۴۶.
- براون، ادوارد. تاریخ ادبی ایران، ج ۳. ترجمه علی پاشا صالح. تهران: کتابخانه ابن‌سینا، چاپخانه دانشگاه، ۱۳۳۹.
- بروشکی، محمد مهدی. بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
- بیانی، شیرین. دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- \_\_\_\_\_ مغولان و حکومت ایلیخانی در ایران. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- پطروشفسکی، ایلیا پولویچ. اسلام در ایران. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام، ۱۳۶۳.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. حبیب‌السیر. ج ۳. تهران: خیام، ۱۳۸۰.
- \_\_\_\_\_ دستور الوزراء. تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. تهران: اقبال، بی‌تا.
- \_\_\_\_\_ مآثرالملوک، به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.
- راوندی، مرتضی. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- رحمانی، رضا. مجموعه مقالات درباره خواجه رشیدالدین فضل‌الله و ربع رشیدی تبریز. ج ۱. تهران: نشر علامه طباطبائی، ۱۳۸۸.
- رجب‌زاده، هاشم. آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی. تهران: توس، ۲۵۳۵.
- \_\_\_\_\_ خواجه رشیدالدین فضل‌الله. تهران: طرح نو، ۱۳۷۸.
- سمرقندی، دولت‌شاه. تذکره الشعراء. به اهتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۲.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام. آثار الوزراء. تصحیح محدث ارموی. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
- قاشانی، ابوالقاسم محمد. تاریخ اولجایتو. تهران: نگاه ترجمه نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- لمبتون، آن. تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر نی، ۱۳۷۲.
- مدرسی رضوی، محمدتقی. احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.
- مرتضوی، منوچهر. تحقیق درباره دوره ایلیخانان ایران. تبریز: شفق، ۱۳۴۱.
- مرتضوی، منوچهر. مسائل عصر ایلیخانان. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۹۲.
- مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- \_\_\_\_\_ نزهة القلوب. به اهتمام محمد دبیر سیاقی. تهران: انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶.

- منشی کرمانی، ناصرالدین. *نسائم الاسحار*. جلال‌الدین ارموی. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه. *تاریخ روضه‌الصفاء*، ج ۵. تصحیح جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر، ۱۳۸۰.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه. *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، ج ۱. مسکو: نشر دانش، ۱۹۶۴.
- \_\_\_\_\_ *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، ج ۲. مسکو: نشر دانش، ۱۹۷۶.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر. *تاریخ بخارا*. ترجمه ابونصر احمدالقبایوی. تهران: توس، ۱۳۶۳.
- نسائی، تاج‌الدین. *کارنامه اوقاف*، ج ۸. به تصحیح و کوشش ایرج افشار. تهران: مجله فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۹.
- نصر، حسن. *مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- نطنزی، معین‌الدین. *منتخب‌التواریخ معینی (تاریخ ملوک شبانکاره)*. تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. *تاریخ مبارک غازانی*. به سعی و اهتمام کارل یان. لندن: اوقاف گیب، ۱۹۴۰.
- \_\_\_\_\_ *جامع‌التواریخ*، ج ۲. به کوشش بهمن کریمی. تهران: نشر اقبال، ۱۳۷۴.
- \_\_\_\_\_ *سوانح‌الافکار رشیدی*. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ۱۳۵۸.
- \_\_\_\_\_ *لطائف‌الحقائق*، ج ۲. به کوشش غلامرضا طاهر. تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی، ۲۵۳۷.
- \_\_\_\_\_ *مکاتبات رشیدی*. با تصحیح محمد شفیق. لاهور: نشر کلیه پنجاب، ۱۳۶۴.
- \_\_\_\_\_ *وقفنامه ربع رشیدی*. به کوشش ایرج افشار و مجتبی مینوی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۲۵۳۶.
- وصاف‌الحضره، فضل‌الله بن عبدالله شیرازی. *تاریخ وصاف‌الحضره*. به اهتمام حاجی محمد مهدی اصفهانی. تهران: کتابخانه ابن‌سینا و جعفری تبریزی، ۱۳۳۸.
- \_\_\_\_\_ *تحریر تاریخ وصاف*، نگارش عبدالمحمد آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.

## ۲- منابع لاتین

- Lambton, Ann. *A Wqfe in Persian 6TH-8TH/12TH-14TH Centuries. Islamic Law and society*. Brill, 1997.
- Hani, Khafipour. *A Hospital in Ilkhanid Iran. Toward a Socio-economic Reconstruction of the Rab - I Rashidi*. Iranian studies. Chicago: Routledge, 2012.
- Sheila, Blair. *Ilkhanid Architecture and Society*. An Analysis of the Endowment Deed of the Rab - I Rashidi. in. British Institute of Persian Studies, 1984.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی